

بررسی رابطه‌ی برخی از متغیرهای ارتباطی با میزان موفقیت در یادگیری مهارت گفتاری زبان انگلیسی دانشجویان زبان انگلیسی واحدهای دانشگاه آزاد استان زنجان

ایوب دبیری^۱

چکیده:

هدف تحقیق حاضر تعیین رابطه بین تمایل به برقراری ارتباط، ترس از برقراری ارتباط و برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط با میزان موفقیت در یادگیری مهارت گفتاری زبان انگلیسی و مقایسه آن در بین دختران و پسران بود. نمونه مورد مطالعه ۲۰۰ نفر از دانشجویان رشته‌های زبان انگلیسی واحدهای دانشگاه آزاد استان زنجان بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده عبارت از مقیاس WTC مک کروسکی (۱۹۹۲)، مقیاس برداشت شخص از توانایی برقراری ارتباط مک کروسکی و مک کروسکی (۱۹۸۸)، مقیاس PRCA-24 یونگ و مک کروسکی (۲۰۰۴) و مصاحبه به زبان انگلیسی بودند. نتایج با استفاده از روش آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتیجه تحقیق نشان داد که بین تمایل به برقراری ارتباط و میزان موفقیت در یادگیری مهارت گفتاری زبان انگلیسی رابطه مثبت، بین ترس از

۲۸ / بررسی رابطه‌ی برخی از متغیرهای ارتباطی با میزان موفقیت در یادگیری مهارت گفتاری زبان انگلیسی

برقراری ارتباط و میزان موفقیت در یادگیری مهارت گفتاری زبان انگلیسی رابطه معکوس و منفی و بین برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط و میزان موفقیت در یادگیری مهارت گفتاری زبان انگلیسی رابطه مثبت وجود دارد. همچنین نتیجه تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط و ترس از برقراری ارتباط بر روی هم حدود ۲۱ درصد از تغییرات مهارت‌های گفتاری را تبیین می‌کنند.

کلید واژه‌ها: تمایل به برقراری ارتباط، ترس از برقراری ارتباط و برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط، مهارت گفتاری

مقدمه

بررسی آموزش زبان خارجی و زبان دوم (Second language) نشان می‌دهد که در قرن بیست و یکم «آموزش زبان به شیوه ارتباطی» (Communicative Language Teaching) گوی سبقت را از سایر شیوه‌های آموزشی ربوده است. اساس آموزش زبان ارتباطی عبارت است از درگیر کردن زبان آموزان در برقراری ارتباط بدین منظور که به آن‌ها مجالی داده شود که توانایی‌های ارتباطی خود را بهبود بخشند (سویگنون، ۲۰۰۵).

نقش مهمی که آموزش زبان ارتباطی در آموزش زبان دوم و زبان خارجی ایفا می‌کند بیانگر تأکیدی است بر به کارگیری زبان به منظور برقراری ارتباط معنادار در طی فرایند زبان‌آموزی. نظریه‌های یادگیری زبان تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر رویکرد آموزش زبان ارتباطی داشته‌اند. تئوری اجتماعی - فرهنگی (Socio-cultural Theory (SCT)) برای مثال، تأثیر عمیقی بر این رویکرد داشته است. تئوری اجتماعی - فرهنگی بیانگر این است که گفتار و تفکر عمیقاً در هم تنیده هستند و بر این باور است که گفتار در تفکر مداخله می‌کند (لایتون و اسپادا، ۲۰۰۶). لنتولف (۲۰۰۵) تفاوت‌هایی بین تئوری اجتماعی - فرهنگی و دیگر رویکردهای اصلی فراگیری زبان دوم قائل است. او معتقد است که زبان بایستی به عنوان یک سیستم مولد در نظر گرفته شود که تشکیل شده از اجزایی است که در حین تعامل ارتباطی پدید می‌آیند و شکل می‌گیرند. سوین (۲۰۰۵) نیز از یک دیدگاه اجتماعی - فرهنگی اشاره می‌کند که تولید زبان نقش حیاتی و تأثیرگذاری را در یادگیری زبان دوم ایفا کرده است.

تصور بر این است که یادگیری زبان در خلال برقراری ارتباط تعاملی معنادار و در یک موقعیت پراگماتیک (سوین و لاپکین، ۲۰۰۲) اتفاق می‌افتد. به کارگیری زبان و یادگیری آن می‌تواند همزمان روی دهد و این به کارگیری زبان است که می‌تواند در یادگیری آن مداخله کند (سوین، ۲۰۰۰). بنابراین، شناسایی متغیرهایی که فرصت‌های زبان‌آموزان برای تولید زبان، به کارگیری زبان به منظور برقراری ارتباط و یادگیری زبان از طریق برقراری ارتباط را محدود می‌کنند یا بهبود می‌بخشند اهمیت بسیار زیادی دارد.

مطالعات نظری و عملی اخیر، نقش مهم استفاده از زبان به منظور برقراری ارتباط را در یادگیری و آموزش زبان دوم و خارجی اعتلا بخشیده است. مک اینتایر، کلمنت، دورنیه و نولز (۱۹۹۸) بیان

داشته‌اند که هدف نهایی یادگیری زبان دوم یا زبان خارجی باید مبتنی باشد بر ایجاد تمایل در زبان‌آموزان برای یافتن فرصت‌های برقراری ارتباط و نیز ایجاد تمایل به برقراری ارتباط (Willingness to communicate) در آنان (ص ۵۴۷). بر این اساس، مک اینتایر و همکاران (۱۹۹۸) پیشنهاد می‌کنند که ایجاد تمایل به برقراری ارتباط باید هدف مناسبی در آموزش زبان دوم باشد.

اگرچه تمایل به برقراری ارتباط مفهومی نسبتاً جدید است، تحقیقاتی چند در زمینه بررسی اجزای مفهومی آن و نتایج تجربی آن در برقراری ارتباط با استفاده از زبان دوم انجام شده است. به منظور درک تمایل به برقراری ارتباط از لحاظ ارتباط آن با سایر مؤلفه‌های مؤثر، متغیرهای شخصیتی، ارتباطی، عاطفی و اجتماعی - روان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفتند (برای مثال هاشیموتو، ۲۰۰۲؛ مک اینتایر، ۱۹۹۴؛ مک اینتایر و کاروس، ۱۹۹۶؛ مک اینتایر و همکاران، ۱۹۹۸؛ ون و کلمنت، ۲۰۰۳؛ یاشیما، ۲۰۰۲).

از میان متغیرهای ارتباطی که ممکن است تمایل شخص به صحبت کردن در هنگام استفاده از زبان دوم یا زبان خارجی را تحت تأثیر قرار دهد می‌توان به متغیرهای تمایل به برقراری ارتباط، ترس از برقراری ارتباط (Communication apprehension) و برداشت خود از توانایی برقراری (Self-perceived communication competence) ارتباط اشاره کرد. به نظر می‌رسد مطالعه این متغیرها و بررسی رابطه آنها با میزان موفقیت زبان‌آموزان در یادگیری مهارت گفتاری زبان انگلیسی بتواند به بهبود آموزش زبان انگلیسی در کلاس‌های زبان انگلیسی کمک کند.

مک اینتایر و همکاران (۱۹۹۸) از تمایل به برقراری ارتباط هم به عنوان یک متغیر تفاوت فردی تأثیر گذار بر یادگیری زبان دوم و هم یک هدف آموزش زبان دوم یاد کرده‌اند. همچنین پیشنهاد شده است که ترکیب پژوهش در زمینه برقراری ارتباط و یادگیری زبان دوم می‌تواند باعث درک بهتری از مطالعه تفاوت‌های فردی در زمینه یادگیری زبان دوم شود (بیکر و مک اینتایر، ۲۰۰۳). در مقایسه با پژوهش‌های انجام شده در زمینه عوامل تفاوت فردی دیگر از قبیل انگیزه، استعداد، استراتژی یادگیری و شخصیت، هنوز هم تحقیقات انجام شده در مورد تمایل به برقراری ارتباط نسبتاً محدود هستند. این پژوهش تلاش می‌کند از طریق بررسی تمایل به برقراری ارتباط بر دامنه تحقیقات انجام شده در زمینه آموزش زبان خارجی بیافزاید.

از آن جایی که در بسیاری از موقعیت‌ها، در هنگام استفاده از مهارت گفتاری، زبان‌آموز مجبور به برقراری ارتباط با مخاطب می‌باشد به نظر می‌رسد کسب این مهارت تحت تأثیر متغیرهای مربوط به برقراری ارتباط از قبیل تمایل به برقراری ارتباط، ترس از برقراری ارتباط و برداشت شخص از توانایی خود در برقراری ارتباط قرار گیرد. بنابراین، شناخت متغیرهای مربوط به برقراری ارتباط و بررسی رابطه بین این متغیرها و کسب مهارت گفتاری زبان‌آموزان می‌تواند به آموزش بهتر این مهارت کمک کند.

مطالعات انجام شده در مورد تمایل به برقراری ارتباط بیشتر در موقعیت‌هایی انجام شده‌اند که زبان مقصد به عنوان زبان دوم و نه زبان خارجی آموزش داده می‌شود. آکسفورد و شرین (۱۹۹۴) بین محیط یادگیری زبان دوم و زبان خارجی تفاوت قائل شده‌اند. به اعتقاد آنان، زبان خارجی، منحصراً در داخل کلاس آموخته می‌شود بنابراین زبان‌آموزانی که یک زبان مقصد را به عنوان زبان خارجی می‌آموزند، به ندرت فرصت تمرین زبان را در طی فعالیت‌های روزانه به دست می‌آورند. به همین دلیل، آنان فرصتی برای استفاده از زبان مقصد به منظور برقراری ارتباط عملی پیدا نمی‌کنند. از طرفی، یک زبان‌آموز زبان دوم ممکن است فرصت‌های بیشتری برای به کارگیری زبان در یک زمینه ارتباطی عملی روزانه داشته باشد چرا که زبان مقصد به عنوان یک وسیله ارتباطی در موقعیت‌های خارج از کلاس نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مک اینتایر، بیکر، کلمنت و دونوان (۲۰۰۲) معتقد هستند که لحاظ کردن تجربه و درگیری زبان‌آموز با زبان مقصد در هنگام بررسی رابطه بین متغیرهای تأثیرگذار بر برقراری ارتباط اهمیت بسیار زیادی دارد. مک اینتایر (۱۹۹۴) دریافت که ترس از برقراری ارتباط و برداشت شخص از توانایی خود در برقراری ارتباط دو متغیر مستقیمی هستند که می‌توانند باعث تفاوت تمایل به برقراری ارتباط در شخص شوند. بر اساس پژوهش‌های تجربی انجام شده در زمینه تمایل به برقراری ارتباط، مک کروسکی (۱۹۹۷) به این نتیجه رسید که تمایل به برقراری ارتباط احتمالاً بهترین پیش‌بینی کننده رفتار ارتباطی واقعی افراد باشد در حالی که ترس از برقراری ارتباط و برداشت شخص از توانایی خود در برقراری ارتباط به نظر می‌رسد که تعیین کننده عواملی باشد که بهترین کمک را به پیش‌بینی کردن تمایل به برقراری ارتباط شخص کند (ص ۱۰۵).

ترس از برقراری ارتباط توسط مک کروسکی (۱۹۹۷) به صورت "سطح ترس و اضطراب فرد در هنگام برقراری ارتباط واقعی یا مورد انتظار با شخص یا اشخاص دیگر" بازتعریف شد (ص ۱۹۲) و از آن

زمان به بعد تغییرات کمی در آن ایجاد شده است (مک کروسکی، ۱۹۸۴، ۱۹۹۷، ۱۹۸۲، ۱۹۹۷)؛ مک کروسکی و ریچموند، (۱۹۸۷).

مک کروسکی (۱۹۹۷) دیگر بار تأکید می‌کند که مهارت‌های ارتباطی و توانایی‌های واقعی شخص نیست که بر تمایل به برقراری ارتباط او تأثیر می‌گذارد بلکه این برداشت شخص از توانایی‌های خود در برقراری ارتباط است که باعث تفاوت در تمایل به برقراری ارتباط می‌شود. بنابراین افرادی که خود را در برقراری ارتباط توانمند می‌دانند به نظر می‌رسد که تمایل بیشتری برای شروع یا شرکت کردن در رفتارهای ارتباطی را دارند.

مک کروسکی و مک کروسکی (a ۱۹۸۶، b ۱۹۸۶، c ۱۹۸۶) دریافتند که به طرز معنا داری ترس از برقراری ارتباط با تمایل به برقراری ارتباط شخص مرتبط است و همچنین ترس از برقراری ارتباط و برداشت شخص از توانایی خود در برقراری ارتباط می‌تواند پیش بینی کننده‌های قوی تمایل به برقراری ارتباط باشند. در پژوهش‌های آنان، ترس از برقراری ارتباط با تمایل برقراری ارتباط شخص همبستگی منفی دارد

بیکر و مک اینتایر (۲۰۰۳) دریافتند که بین تمایل به برقراری ارتباط در زبان اول و دوم همبستگی معنادار وجود دارد و نشان دادند که سطح تمایل به برقراری ارتباط فرد در زبان اول او می‌تواند پیش بینی کننده سطح تمایل به برقراری ارتباط او در زبان دومش باشد. با این حال، مک اینتایر و همکاران (۲۰۰۳) دریافتند که همبستگی بین تمایل به برقراری ارتباط شرکت کنندگان در پژوهش در زبان اول (انگلیسی) و زبان دوم (فرانسه) یکسان نیست و پیشنهاد دادند که درجاتی از عدم وابستگی بین تمایل به برقراری ارتباط در زبان اول و زبان دوم وجود دارد. نتایج پژوهشی دیگر که توسط سان (۲۰۰۸) در تایوان و بر روی ۱۱۵ دانشجوی کلاس‌های مکالمه زبان انگلیسی انجام شد نشان داد که دانشجویان برداشت و دیدگاه مثبتی در مورد تمایل به برقراری ارتباط در کلاس‌های مکالمه زبان انگلیسی داشتند. ۵۶ درصد از دانشجویان اعلام کردند که معلمان تأثیر قوی بر تمایل به برقراری ارتباط آنان در فعالیت‌های کلاسی دارند. نتایج این تحقیق همچنین نشان داد که دانشجویان از اهمیت مهارت‌های برقراری ارتباط به زبان انگلیسی آگاه بودند هرچند که آنان انگلیسی را فقط در کلاس استفاده می‌کردند و به ندرت از زبان انگلیسی برای برقراری ارتباط با دیگران در خارج از کلاس استفاده می‌کردند.

در پژوهش دیگری که توسط مدرج (۲۰۰۸) بر روی ۳۶۳ دانش آموز مدارس دولتی امارات متحده عربی انجام شد معلوم شد که همبستگی معنادار مثبت بین یادگیری زبان و تمایل به برقراری ارتباط با مردم دیگر فرهنگ ها، انگیزه درونی و تمایل به صرف وقت برای یادگیری زبان وجود دارد.

آتی وکورت (۲۰۰۶) در پژوهشی در مورد تأثیر اضطراب بر نگارش انگلیسی زبان آموزان نشان دادند که بیش از نیمی از شرکت کنندگان در پژوهش دچار اضطراب بالا یا متوسط بودند و این افراد برای سازمان دهی افکار خود در هنگام نگارش مشکل داشتند. کاسادو و درویشسکی (۲۰۰۱) در تحقیقی بر روی اضطراب زبان بیگانه دانشجویان نشان دادند که سطوحی از اضطراب در کلاس‌های مبتدی وجود داشت و این سطوح اضطراب پس از اتمام ترم دوم اکتساب زبان کاهش نداشت.

وان ورد (۲۰۰۳) در تحقیقی در مورد دیدگاه زبان آموزان در مورد اضطراب منابع ایجاد اضطراب در زبان آموزان را بررسی کرد و نتیجه گیری کرد که مهمترین عوامل ایجاد کننده اضطراب مربوط به فعالیت‌های گفتاری و شنیداری زبان آموزان است، او همچنین همبستگی منفی معناداری را بین نمره نهایی زبان و همچنین نمره اضطراب زبان آموزان کشف کرد. مک اینتایر و گاردنر (۱۹۹۱b) در تحقیقی نشان داده اند که بین اضطراب کلاس زبان و میزان تسلط بر زبان همبستگی منفی وجود دارد و هرچقدر تجربه و تسلط زبان آموز بر زبان هدف افزایش می‌یابد، اضطراب به میزان ثابت کاهش می‌یابد.

چن و وو (۲۰۰۴) در تحقیقی بر روی زبان آموزان دوره ابتدایی در تایوان دریافتند که میزان اضطراب کلاس زبان خارجی به اندازه میزان اضطراب سایر سطوح است و این اضطراب در آنها مشهود است. همچنین آنان با استفاده از آزمون اضطراب کلاس زبان خارجی عوامل اصلی ایجاد اضطراب در زبان آموزان را شناسایی کردند و همچنین عوامل متغیر تأثیرگذار بر اضطراب را استخراج کردند.

سوبوکسو (۲۰۰۸) در پژوهشی در مورد همبستگی خودکارآمدی (Self efficacy) و اضطراب یادگیری زبان خارجی دریافت که این دو متغیر با هم رابطه همبستگی ندارند. او همچنین نتیجه گیری کرد که جنسیت نقش مهمی در سطح اضطراب و میزان خودکارآمدی آنان نداشته است. بیلی، آنوگبوزی و دالی (۲۰۰۰) در پژوهشی بر روی ۲۰۵ دانشجوی دانشگاه، اضطراب را در سه مرحله یادگیری زبان یعنی ورودی، پردازش و خروجی بررسی کرد و سعی کرد که متغیرهای مرتبط با این سه مرحله از اضطراب را تشخیص دهد، تحلیل‌ها نشان داد که افراد با اضطراب بالاتر در این سه مرحله

مسن تر هستند، از دوره‌های کلاس زبان خود انتظار موفقیت کمتری دارند، درک آنها از ارزش خود کمتر است و کلاس‌های زبان زیادی را در دبیرستان نگذرانده اند. دبیری و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی در زمینه رابطه اضطراب و عزت نفس و مهارت گفتاری زبان انگلیسی زبان آموزان پسر و دختر آموزشگاه‌های استان زنجان نتیجه گیری کردند که بین اضطراب و موفقیت در مهارت گفتاری زبان انگلیسی همبستگی مستقیم وجود دارد ولی این رابطه در زبان آموزان پسر و دختر و همچنین بین زبان آموزان سطوح مختلف متفاوت نیست. هدف کلی این پژوهش تعیین رابطه بین تمایل به برقراری ارتباط، ترس از برقراری ارتباط و برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط با میزان موفقیت در یادگیری مهارت گفتاری زبان انگلیسی است.

روش شناسی تحقیق

روش تحقیق از نوع همبستگی می‌باشد.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه پژوهش حاضر عبارت است از دانشجویان سال دوم و سوم گرایش‌های مختلف رشته زبان انگلیسی واحدهای دانشگاه آزاد در استان زنجان. نمونه مورد مطالعه عبارت است از ۲۰۰ نفر از دانشجویان سال سوم و چهارم این دانشگاه‌ها که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده است. علت انتخاب دانشجویان سال سوم و چهارم این است که اولاً پس از گذراندن سال اول و دوم دانشجویان زبان به سطح خوبی از دانش زبان انگلیسی دست می‌یابند و توانایی برقراری ارتباط به زبان انگلیسی را پیدا می‌کنند. دوماً دانشجویان رشته زبان انگلیسی که دو سال مشغول تحصیل بوده‌اند معمولاً پس از طی این مدت به درک خوبی از گرایش‌های خود از لحاظ انگیزه و دیدگاه یادگیری زبان انگلیسی دست می‌یابند. بنابراین از آنجایی که دانشجویان سال اول و دوم ممکن است دانش زبانی کافی را کسب نکرده باشند و از طرفی آگاهی کافی از گرایش‌های ارتباطی خود پیدا نکرده باشند، از این پژوهش کنار گذاشته شدند.

ابزارهای پژوهش: برای اندازه‌گیری تمایل به برقراری ارتباط دانشجویان پژوهش حاضر از مقیاس WTC مک کروسی (۱۹۹۲) استفاده شد. این مقیاس به منظور اندازه‌گیری مستقیم آمادگی شخص برای شروع یک ارتباط یا اجتناب از آن به کار گرفته شد. این مقیاس دارای ۲۰ سوال است که از این تعداد ۱۲ سوال آن مربوط به ۴ نوع زمینه ارتباطی و ۳ نوع گیرنده ارتباط می‌باشد. از نمونه‌ها خواسته شد که با استفاده از عددی بین صفر و ۱۰۰ درصد زمانی را که برای برقراری ارتباط در هر موقعیت ارتباطی انتخاب خواهند کرد نشان دهند آلفا کرونباخ این ابزار ۰/۹۷ است.

فصلنامه علوم رفتاری / ۳۵

برای اندازه گیری برداشت شخص از توانایی برقراری ارتباط خود از پرسشنامه مک کروسکی و مک کروسکی (۱۹۸۸) استفاده شد. این پرسشنامه ۱۲ سوالی، برای اندازه گیری برداشت نمونه‌ها از توانایی برقراری خود طراحی شده (مک کروسکی و مک کروسکی، ۱۹۸۸)، همچون مقیاس WTC. سوال‌های این پرسشنامه هم چهار زمینه ارتباطی مهم و سه نوع دریافت کننده را نشان می‌دهند. از شرکت کنندگان خواسته شد که توانایی برقراری خود را در یک مقیاس ۰ تا ۱۰۰ تخمین بزنند. آلفای کرونباخ این ابزار ۰/۹۴ است.

برای اندازه گیری ترس از برقراری ارتباط از پرسشنامه ۲۴ سوالی PRCA-24 استفاده شد. سوالات این پرسشنامه چهار موقعیت ارتباطی مختلف را مشخص می‌کنند، هر موقعیت ۶ سوال را در بر می‌گیرد (یونگ و مک کروسکی، ۲۰۰۴). این پرسشنامه از یک پاسخ ۵ گزینه‌ای لیکرت بهره می‌گیرد که ۱ بیانگر کاملاً مخالفم و ۵ بیانگر کاملاً موافقم می‌باشد. آلفای کرونباخ این ابزار ۰/۹۰ می‌باشد.

برای سنجش میزان موفقیت زبان آموزان در مهارت گفتاری زبان انگلیسی از یک جلسه آزمون شفاهی ۱۰ تا ۱۵ دقیقه‌ای استفاده شد. سپس بر اساس مقیاس مهارت گفتاری آزمون TOEFL برای هر کدام از نمونه‌ها نمره‌ای در نظر گرفته شد. در این مقیاس معیارهای مختلفی برای سنجش نمونه‌ها استفاده می‌شود. معیارهای در نظر گرفته شده در این مقیاس عبارتند از کیفیت پاسخ‌دهی به سوالات، قابل درک بودن پاسخ، چگونگی سازمان‌دهی پاسخ، روانی پاسخ، تلفظ، گرامر و واژگان. برای هر معیار نمره‌ای بین ۰ تا ۴ در نظر گرفته شد. نهایتاً نمره زبان آموز در تمام معیارها جمع بسته شده و به عنوان نمره مهارت گفتاری زبان انگلیسی شخص در نظر گرفته شد. حداقل نمره صفر و حداکثر نمره ۲۸ است. از مقیاس گفتاری TOEFL در پژوهش‌های بسیاری استفاده شده است و در اکثر آموزشگاه‌های زبان هم برای آزمون‌های تعیین سطح زبان‌آموزان از این مقیاس استفاده می‌شود.

روش آماری تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آماری ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. همچنین برای پیش‌بینی میزان موفقیت در مهارت گفتاری از روی متغیرهای ارتباطی از تحلیل رگرسیون استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

جدول ۱. اطلاعات توصیفی آزمودنی‌ها در متغیرهای مورد مطالعه

| متغیرها | شاخص‌ها | فراوانی | حداقل نمره | حداکثر نمره | میانگین | انحراف استاندارد |
|--------------------------------------|---------|---------|------------|-------------|---------|------------------|
| مهارت گفتاری | | ۲۰۰ | ۰ | ۲۸ | ۱۱/۴۵ | ۵/۵ |
| برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط | | ۲۰۰ | ۸۰ | ۱۱۹۰ | ۷۴۲/۸۵ | ۲۳۲/۵۶۴ |
| تمایل به برقراری ارتباط | | ۲۰۰ | ۱۵۰ | ۲۰۰۰ | ۱۱۱۵/۰۲ | ۴۰۵/۷۶۲ |
| ترس از برقراری ارتباط | | ۲۰۰ | ۴۴ | ۱۳۹ | ۶۷/۱۳ | ۱۲/۰۱۶ |

جدول ۱ بیانگر شاخص‌های توصیفی آزمودنی‌ها از جمله فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌ها در متغیرهای مورد مطالعه است.

فرضیه اول تحقیق: بین تمایل به برقراری ارتباط و میزان موفقیت در یادگیری مهارت گفتاری زبان انگلیسی رابطه وجود دارد.

جدول ۲. ضریب همبستگی متغیرهای مورد مطالعه در کل آزمودنی‌ها

| متغیرها | تمایل به برقراری ارتباط | برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط | ترس از برقراری ارتباط |
|--------------|-------------------------|--------------------------------------|-----------------------|
| مهارت گفتاری | ۰/۲۸۵** | ۰/۴۰۵** | -۰/۲۵۹** |
| سطح معناداری | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ |

** همبستگی در سطح یک صدم معنادار است.

توجه به جدول ۲ نشان می‌دهد که بین تمایل به برقراری ارتباط و مهارت گفتاری ۰/۲۸۵ همبستگی وجود دارد و این همبستگی در سطح یک صدم معنادار است. بنابراین فرضیه اول تحقیق تأیید می‌شود و با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که بین تمایل به برقراری ارتباط و میزان موفقیت در یادگیری مهارت گفتاری زبان انگلیسی رابطه مثبت وجود دارد.

فصلنامه علوم رفتاری / ۳۷

فرضیه دوم تحقیق: بین ترس از برقراری ارتباط و میزان موفقیت در یادگیری مهارت گفتاری زبان انگلیسی رابطه وجود دارد.

توجه به جدول ۲ نشان می‌دهد که بین ترس از برقراری ارتباط و مهارت گفتاری ۰/۲۵۹- همبستگی وجود دارد و این همبستگی در سطح یک صدم معنادار است. بنابراین فرضیه دوم تحقیق تأیید می‌شود و با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت بین ترس از برقراری ارتباط و میزان موفقیت در یادگیری مهارت گفتاری زبان انگلیسی رابطه معکوس و منفی وجود دارد. یعنی هر چه فرد ترس بیشتری از برقراری ارتباط داشته باشد موفقیت او در یادگیری مهارت گفتاری کمتر است.

فرضیه سوم تحقیق: بین برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط و میزان موفقیت در یادگیری مهارت گفتاری زبان انگلیسی رابطه وجود دارد.

توجه به جدول ۲ نشان می‌دهد که بین برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط و مهارت گفتاری ۰/۴۰۵ همبستگی وجود دارد و این همبستگی در سطح یک صدم معنادار است. بنابراین فرضیه سوم تحقیق تأیید می‌شود و با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط و میزان موفقیت در یادگیری مهارت گفتاری زبان انگلیسی رابطه مثبت وجود دارد.

به منظور پیش بینی موفقیت در مهارت‌های گفتاری از روی متغیرهای ارتباطی از تحلیل رگرسیون گام با گام استفاده شده است که نتایج آن آرایه می‌شود:

جدول ۳: ضریب همبستگی چند متغیره و ضریب آن در تحلیل رگرسیون

| مدل | R | ضریب تبیین | مجذور R تعدیل شده | خطای استاندارد برآورد |
|-----|-----------|------------|-------------------|-----------------------|
| ۱ | الف ۰/۴۰۵ | ۰/۱۶۴ | ۰/۱۵۹ | ۵/۰۴۲ |
| ۲ | ب ۰/۴۶۶ | ۰/۲۱۷ | ۰/۲۰۹ | ۴/۸۹۰ |

الف. پیش بینی کننده ها: برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط ب. پیش بینی کننده ها: برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط ، ترس از برقراری ارتباط

جدول ۳ نشان می‌دهد که در گام اول برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط که همبستگی قوی تری با مهارت گفتاری داشته وارد معادله رگرسیون شده ضریب همبستگی چند متغیره ۰/۴۰۵ و مجذور آن ۰/۱۶۴ است. این مقدار از مجذور ضریب همبستگی نشان می‌دهد که حدود ۱۶ درصد از تغییرات مهارت گفتاری را برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط تبیین می‌کند. در گام دوم ترس از برقراری ارتباط وارد معادله رگرسیون شده ضریب همبستگی چند متغیره ۰/۴۶۶ و مجذور آن ۰/۲۱۷ است. این مقدار از مجذور ضریب همبستگی نشان می‌دهد که حدود ۲۲ درصد از تغییرات مهارت گفتاری در دانشجویان را برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط و ترس از برقراری ارتباط تبیین می‌کنند. مؤلفه تمایل به برقراری ارتباط در عین معنادار بودن ضریب همبستگی قادر به پیش بینی نبوده و از معادله رگرسیون حذف شده است.

برای بررسی معناداری مجذور R محاسبه شده از آزمون F (تحلیل واریانس) استفاده شده که نتایج آن در زیر ارایه می‌شود.

جدول ۴: تحلیل واریانس در رگرسیون چند متغیری

| مدل | منابع تغییرات | مجموع مجذورات | درجات آزادی | میانگین مجذورات | F | سطح معناداری |
|-----|---------------|---------------|-------------|-----------------|--------|--------------|
| ۱ | رگرسیون | ۹۸۵/۰۹۵ | ۱ | ۹۸۵/۰۹۵ | ۳۸/۷۴۴ | ۰/۰۰۰ |
| | باقیمانده | ۵۰۳۴/۳۰۰ | ۱۹۸ | ۲۵/۴۲۶ | | |
| | کل | ۶۰۱۹/۳۹۵ | ۱۹۹ | | | |
| ۲۲ | رگرسیون | ۱۳۰۸/۴۵۸ | ۲ | ۶۵۴/۲۲۹ | ۲۷/۳۵۸ | ۰/۰۰۰ |
| | باقیمانده | ۴۷۱۰/۹۳۷ | ۱۹۷ | ۲۳/۹۱۳ | | |
| | کل | ۶۰۱۹/۳۹۵ | ۱۹۹ | | | |

الف: پیش بینی کننده ها: برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط ب. برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط ، ترس از برقراری ارتباط متغیر وابسته: مهارت گفتاری

اطلاعات جدول ۴ نشان می‌دهد که F محاسبه شده در هر دو گام معنادار است.

جدول ۵: ضرایب بتای استاندارد شده برای ارزیابی سهم هریک از متغیرها

| مدل | B | خطای استاندارد | Beta | t | سطح معناداری |
|---|--------|----------------|--------|--------|--------------|
| ۱ برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط | ۰/۰۱۰ | ۰/۰۰۲ | ۰/۵۰۴ | ۶/۲۲۴ | ۰/۰۰۰ |
| ۲ برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط | ۰/۰۰۹ | ۰/۰۰۱ | ۰/۳۸۸ | ۴/۱۴۸ | ۰/۰۰۰ |
| ترس از برقراری ارتباط | -۰/۱۰۶ | ۰/۰۲۹ | -۰/۲۳۲ | -۳/۶۷۷ | ۰/۰۰۰ |

الف: پیش بینی کننده ها: برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط ب. برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط ، ترس از برقراری ارتباط متغیر وابسته: مهارت گفتاری

در جدول ۵ ضرایب بتای استاندارد شده برای ارزیابی سهم هریک از متغیرها در پیش بینی مهارت های گفتاری آورده شده است. این ضرایب بتا نشان می دهند که یک واحد تغییر در متغیرهای ذکر شده معادل با چه مقدار تغییر در مهارت های گفتاری است. مثلاً یک واحد تغییر در برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط برابر با ۰/۵۰۴ واحد تغییر در مهارت های گفتاری دانشجویان است. یا یک واحد تغییر در ترس از برقراری ارتباط برابر با ۰/۲۳۲- واحد تغییر در مهارت های گفتاری آنان است.

بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی تحقیق حاضر تعیین رابطه بین تمایل به برقراری ارتباط، ترس از برقراری ارتباط و برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط با میزان موفقیت در یادگیری مهارت گفتاری زبان انگلیسی بود. نتیجه تحقیق نشان داد که بین تمایل به برقراری ارتباط و میزان موفقیت در یادگیری مهارت گفتاری زبان انگلیسی رابطه مثبت وجود دارد. بین ترس از برقراری ارتباط و میزان موفقیت در یادگیری مهارت گفتاری زبان انگلیسی رابطه معکوس و منفی وجود دارد. بین برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط و میزان موفقیت در یادگیری مهارت گفتاری زبان انگلیسی رابطه مثبت وجود دارد. همچنین نتیجه تحقیق نشان داد که متغیرهای برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط و ترس از برقراری ارتباط بر روی هم حدود ۲۱ درصد از تغییرات مهارت های گفتاری را تبیین می کنند.

نتیجه تحقیق حاضر با نتیجه تحقیق آتی و کورت (۲۰۰۶) همخوان است که نشان دادند بیش از نیمی از شرکت کنندگان در پژوهش دچار اضطراب بالا یا متوسط بودند و این افراد برای سازمان دهی افکار خود در هنگام نگارش مشکل داشتند. تحقیق وان ورد (۲۰۰۳) نشان داد که مهمترین عوامل ایجاد کننده اضطراب مربوط به فعالیت‌های گفتاری و شنیداری زبان آموزان است، او همچنین همبستگی منفی معناداری را بین نمره نهایی زبان و همچنین نمره اضطراب زبان آموزان کشف کرد، که با نتیجه تحقیق حاضر همخوان است. همچنین نتیجه تحقیق حاضر با نتایج تحقیقاتی از جمله مک اینتایر و گاردنر (۱۹۹۱b) درباره‌ی رابطه منفی اضطراب کلاس زبان و میزان تسلط بر زبان، دبیری و همکاران (۲۰۰۹) در زمینه رابطه اضطراب و عزت نفس و مهارت گفتاری زبان انگلیسی زبان آموزان پسر و دختر، مدرج (۲۰۰۸) در زمینه همبستگی معنادار مثبت بین یادگیری زبان و تمایل به برقراری ارتباط با مردم دیگر فرهنگ ها، انگیزه درونی و تمایل به صرف وقت برای یادگیری زبان همخوان است. مک اینتایر (۱۹۹۴) دریافت که ترس از برقراری ارتباط و برداشت شخص از توانایی خود در برقراری ارتباط دو متغیر مستقیمی هستند که می‌توانند باعث تفاوت تمایل به برقراری ارتباط در شخص شوند. بر اساس پژوهش‌های تجربی انجام شده در زمینه تمایل به برقراری ارتباط، مک کروسکی (۱۹۹۷) به این نتیجه رسید که تمایل به برقراری ارتباط احتمالاً بهترین پیش‌بینی کننده رفتار ارتباطی واقعی افراد باشد در حالی که ترس از برقراری ارتباط و برداشت شخص از توانایی خود در برقراری ارتباط به نظر می‌رسد که تعیین کننده عواملی باشد که بهترین کمک را به پیش‌بینی کردن تمایل به برقراری ارتباط شخص کند.

می‌توان گفت انگیزه بسیاری از زبان‌آموزان از تلاش برای یادگیری زبان و شرکت در کلاس‌های آموزشگاه‌های زبان یا حتی انتخاب رشته زبان انگلیسی در دانشگاه، کسب مهارت برقراری ارتباط شفاهی به زبان مقصد است. از طرفی بسیاری از واحدهای درسی دانشجویان رشته زبان انگلیسی از قبیل گفت و شنود، مکالمه موضوعی و بیان شفاهی داستان اختصاص به بهبود مهارت گفتاری آنان دارد. بنابراین، از بین چهار مهارت زبان خارجی یعنی مهارت‌های شنیداری، گفتاری، خواندن و نگارش به نظر می‌رسد که مهارت گفتاری دارای اهمیت زیادی برای زبان‌آموزان باشد. علاوه بر دانش زبان و میزان تسلط شخص به زبان مقصد، عوامل دیگری چون متغیرهای محیطی، شخصیتی و ارتباطی نیز ممکن است بر موفقیت وی در کسب مهارت گفتاری زبان مقصد تأثیر بگذارد.

انسان‌ها به طرز قابل ملاحظه‌ای از لحاظ این که چقدر صحبت می‌کنند، با چه کسی صحبت می‌کنند و در چه موقعیت‌هایی صحبت می‌کنند با همدیگر متفاوت هستند. طیف گسترده‌ای از متغیرهای موقعیتی می‌تواند تمایل به برقراری ارتباط انسان‌ها با دیگران را تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال، این که شخص در یک روز خاص چه حالی داشته باشد، تجربه قبلی وی از برقراری ارتباط با یک شخص خاص چه باشد، این که چه اتفاقاتی قبل از برقراری ارتباط رخ داده باشد، این که موضوع ارتباط برای شخص شناخته شده باشد و یا این که آیا موقعیت ارتباطی ارزیابی می‌شود یا خیر می‌تواند تمایل برقراری ارتباط را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین تمایل به برقراری ارتباط، تا حدی وابسته به موقعیت در نظر گرفته می‌شود.

افرادی که خود را در برقراری ارتباط توانمند می‌دانند به نظر می‌رسد که تمایل بیشتری برای شروع یا شرکت کردن در رفتارهای ارتباطی را دارند. صرف نظر از آنچه زبان آموزان زبان خارجی در محیط رسمی کلاس یاد می‌گیرند، آنچه می‌تواند موفقیت و پیشرفت آنها را بهبود بخشد تمایل برای بکارگیری یاد گرفته‌ها از طریق تعامل و ارتباط با دیگران و اطمینان به خود در ایجاد ارتباط است. بنابراین، علاوه بر آموزش رسمی زبان خارجی بایستی بر تقویت خود پنداره و مهارت‌های ارتباطی زبان آموزان نیز اقدام کرد.

با توجه به ارتباط مثبت بین تمایل به برقراری ارتباط و میزان موفقیت در یادگیری مهارت گفتاری زبان انگلیسی پیشنهاد می‌شود در جهت بهبود مهارت‌های ارتباط و انگیزه ایجاد ارتباط در زبان آموزان اقدام شود. با توجه به ارتباط منفی بین ترس از برقراری ارتباط و میزان موفقیت در یادگیری مهارت گفتاری زبان انگلیسی پیشنهاد می‌شود از طریق برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای نسبت به کاهش ترس از ارتباط زبان آموزان اقدام شود. همچنین با توجه به ارتباط مثبت بین برداشت خود از توانایی برقراری ارتباط و میزان موفقیت در یادگیری مهارت گفتاری زبان انگلیسی پیشنهاد نسبت به تقویت اعتماد به نفس زبان آموزان اقدام شود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی اثربخشی برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای مهارت‌های ارتباطی و تقویت خود پنداره به طور آزمایشی مورد مطالعه قرار گیرد.

منابع

الف) فارسی

۱. تحریری، عبدالرضا(۱۳۸۲). اضطراب کلاس زبان خارجی در بین فراگیران زبان انگلیسی و ارتباط آن با عزت نفس/ پایان نامه (کارشناسی ارشد)--دانشگاه شیراز، دانشکده تحصیلات تکمیلی.
۲. قریشی، محمد(۱۳۸۲) اضطراب ارتباط گفتاری فراگیران زبان انگلیسی و رابطه آن با خودکار آمدی ادراکی عمومی،پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده . دانشگاه شیراز،دانشکده تحصیلات تکمیلی.

ب) انگلیسی

1. Aida, Y. (1994). Examination of Horowitz, Horowitz, and Cope's construct of foreign language anxiety: The case of students of Japanese. *Modern Language Journal*, 78(2), 155-68.
2. Atay D., Kurt G.(2006). Prospective Teachers and L2 Writing Anxiety. *Asian EFL Journal*.4(8).Article5.
3. **Bailey Ph., Onwuegbuzie A. J. , Daley C. E.(2000)**. Correlates of Anxiety at Three Stages of the Foreign Language Learning Process. *Journal of Language and Social Psychology*. 19 (4). 474-490.
4. Bailey, K.M. (1983). Competitiveness and anxiety in adult second language learning: Looking at and through the diary studies. In H.W. Seliger and M.H. Long (Eds.), *Classroom oriented research in second language acquisition*. Rowley, MA: Newbury House.
5. Baker, S. C., & MacIntyre, P. D. (2003). The role of gender and immersion in communication and second language orientations. *Language Learning*, 53(1), 65–96.
6. Barraclough, R. A., Christophel, D. M., & McCroskey. J. C. (1988). Willingness to communicate: A crosscultural investigation. *Communication Research Reports*, 5,
7. 187-192.

8. Bekleyen ,Nilüfer. <http://www.tomer.ankara.edu.tr/dildergileri/123/49-66.pdf>
9. Burgoon, J. K. (1976). The unwillingness-to-communicate scale: Development and validation. *Communication Monographs*, 43, 60-69.
10. Burroughs, N. F., & Marie, V. (1990). Communication orientations of Micronesians and American students. *Communication Research Reports*, 7, 139-146.
11. Burroughs, N. F., Marie, V., & McCroskey, J. C. (2003). Relationships of self-perceived communication competence and communication apprehension, to willingness to communicate: A comparison of first and second languages in Micronesia. *Communication Research Report*, 20(3), 230-239.
12. Casado M.A., Dereshiwsky, M. I.(2001). Foreign language anxiety of university students .*College Student Journal* . 12/1/2001
13. Chan D .Y., Wu G.(2004). A Study of Foreign Language Anxiety of EFL Elementary School Students in Taipei County. *Journal of National Taipei Teachers College*, 17(2).287-320
14. Clevenger, T., Jr. (1959). A synthesis of experimental research in stage fright. *Quarterly Journal of Speech*, 45, 134-145.
15. ÇUBUKÇU Feryal .2008. A study on the correlation between self efficacy and foreign language learning anxiety. *Journal of Theory and Practice in Education*. 4 (1):148-158.
16. Crookall, D., & Oxford, R. (1991). Dealing with anxiety: Some practical activities for language learners and teacher trainees. In E. K. Horwitz & D. J. Young (Eds.), *Language anxiety: From theory and research to classroom implications* (pp.141-150). Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
17. Dabiri Ayoub, Dr.Mohammad Ghamari. A study of the relationship between anxiety & self esteem and speaking skills among the students of English Language schools in Zanjan province, Iran. *ICSSH2009: Singapore* , 2009.

18. Daly, J.A. (1991). Understanding communication apprehension: An introduction for language educators. In E. K. Horwitz & D. J. Young (Eds.), *Language Anxiety: From theory and research to classroom implications* (pp. 3-13). Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
19. Ehrman, M., Oxford, R. (1995). Cognition plus: Correlates of language proficiency. *Modern Language Journal* 79:67-89
20. Ely, C. M. (1986). An analysis of discomfort, risktaking, sociability, and motivation in the L2 classroom. *Language Learning*, 36, 1-25.
21. Ganschow, L. & Sparks, R. (1996). Anxiety about foreign language learning among high school women. *Modern Language Journal*, 80(2), 199-212.
22. Gardner, R. C. (1985). *Social psychology and second language learning: The role of attitudes and motivation*. London: Edward Arnold.
23. Hashimoto, Y. (2002). Motivation and willingness to communicate as predictors of reported L2 use: The Japanese ESL context. *Second Language Studies*, 20(2), 29-70.
24. 70.
25. Horwitz, E. K., Horwitz, M. B., & Cope J. (1986). Foreign language classroom anxiety. *The Modern Language Journal*, 70, 125-132.
26. Horwitz, E. K. & , Young, D. J. (Eds.). (1991). *Language anxiety: From theory and research to classroom implications*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
27. Jung, H. Y., & McCroskey, J. C. (2004). Communication apprehension in a first language and self-perceived competence as predictors of communication apprehension in a second language: A study of speakers of English as a second language. *Communication Quarterly*, 52(2), 170-181.
28. Krashen, S. D. (1985b). *The input hypothesis: Issues and implications*. New York: Longman.
29. Lantolf, J. P. (2005). Sociocultural and second language learning research: An exegesis. In E. Hinkel (Ed.), *Handbook of Research in Second Language Teaching and Learning* (pp.335-354). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, Inc.

30. Lightbown, P. M., & Spada, N. (2006). *How Languages are Learned* (3rd ed.). Oxford: Oxford University Press.
31. MacIntyre, P. D. (1994). Variables underlying willingness to communicate: A causal analysis. *Communication Research Reports*, 11(2), 135-142.
32. MacIntyre, P. D. (1995). How does anxiety affect second language Learning? A reply to Sparks and Ganschow. *The Modern Language Journal*, 79, 91-99.
33. MacIntyre, P.D., Baker, S.C., Clément, R., & Conrod, S. (2001). Willingness to communicate, social support, and language-learning orientations of immersion students. *Studies in Second Language Acquisition*, 23, 369-388.
34. MacIntyre, P., Baker, S. C., Clement, R., & Donovan, L. A. (2002). Sex and age effects on willingness to communicate, anxiety, perceived competence, and L2 motivation among junior high school French immersion students. *Language Learning*, 52(3), 537-564.
35. MacIntyre, P. D., Baker, S. C., Clément, R., & Donovan, L. A. (2003). Talking in order to learn: Willingness to communicate and intensive language programs. *The Canadian Modern Language Review*, 59(4), 589-607.
36. MacIntyre, P. D., & Charos, C. (1996). Personality, attitudes, and affect as predictors of second language communication. *Journal of Language and Social Psychology*, 15(1), 3-26.
37. MacIntyre, P., Clément, R., Dörnyei, Z., & Noels, K. (1998). Conceptualizing willingness to communicate in a L2: A situational model of L2 confidence and affiliation. *The Modern Language Journal*, 82(4), 545-562.
38. MacIntyre, P. D., & Gardner, R. C. (1988). *The measurement of anxiety and applications to second language learning: An annotated bibliography* (Research Bulletin No. 672). London, Ontario: The University of Western Ontario. (ERIC Document Reproduction Service No. FL017649).

39. MacIntyre, P. D., & Gardner, R. C. (1989). Anxiety and second language learning: Toward a theoretical clarification. *Language Learning*, 39, 251-275.
40. MacIntyre, P. D., & Gardner, R. C. (1991a). Methods and results in the study of anxiety and language learning: A review of the literature. *Language Learning*, 41(1), 85-117.
41. MacIntyre, P. D., & Gardner, R. C. (1991b). Methods and results in the study of anxiety and language learning: A review of the literature. *Language Learning*, 41(1), 85-117.
42. MacIntyre, P. D., & Gardner, R. C. (1991c). Investigating language class anxiety using the focused essay technique. *Modern Language Journal*, 75, 296-304.
43. MacIntyre, P. D., & Gardner, R. C. (1991d). Anxiety and second language learning: Toward a theoretical clarification. In E. K. Horwitz, & D. J. Young (Eds.), *Language anxiety: From theory and research to classroom implications* (pp. 41-54). Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
44. MacIntyre, P. D., & Gardner, R. C. (1994). The subtle effects of language anxiety on cognitive processing in the second language. *Language Learning*, 44, 283-305.
45. McCroskey, J. C., Burroughs, F., Daun, A., & Richmond, V. P. (1990). Correlates of quietness: Swedish and American perspectives. *Communication Quarterly*, 38(2), 127-137.
46. McCroskey, J. C. (1982). Oral communication apprehension: A reconceptualization. In M. Burgoon & N. E. Doran (Eds.), *Communication Yearbook 6* (pp. 136-170). Beverly Hills, CA: Sage. (a)
47. McCroskey, J. C. (1984). Self-report measurement. In J. A. Daly, & J. C. McCroskey (Eds.), *Avoiding communication: Shyness, reticence, and communication*, (pp. 13-38). Beverly Hills, CA: SAGE Publications.
48. McCroskey, J. C. (1978). Validity of the PRCA as an index of oral communication apprehension. *Communication Monographs*, 45, 192-203.
49. McCroskey, J. C. (1992). Reliability and validity of the willingness to communicate scale. *Communication Quarterly*, 40(1), 16-25.

50. McCroskey, J. C. (1997). Willingness to communicate, communication apprehension, and self-perceived communication competence: conceptualizations and perspectives. In J.A. Daly, J. C. McCroskey, J. Ayres, T. Hopf, & D. M. Ayres (Eds.), *Avoiding communication: shyness, reticence, and communication apprehension* (pp. 75-108). Cresskill, NJ: Hampton Press Inc.
51. McCroskey, J. C., Fayer, J. M., & Richmond, V. R. (1985). Don't speak to me in English: Communication apprehension in Puerto Rico. *Communication Quarterly*, 33(3), 185-192.
52. McCroskey, J. C., Gudykunst, W. B., & Nishida, T. (1985). Communication apprehension among Japanese students in native and second language. *Communication Research Reports*, 2(1), 11-15.
53. McCroskey, J. C., & McCroskey, L. L. (1986, February). Correlates of willingness to communicate. Paper presented at the Western Speech Communication Association convention, Tucson, AZ. (a)
54. McCroskey, J. C., & McCroskey, L. L. (1986, May). Predictors of willingness to communicate: Implications for screening and remediation. Paper presented at the annual convention of International Communication Association, Chicago, IL. (b)
55. McCroskey, J. C., & McCroskey, L. L. (1986, November). Communication competence and willingness to communicate. Paper presented at the Speech Communication Association convention, Chicago, IL. (c)
56. McCroskey, J. C., & McCroskey, L. L. (1988). Self-report as an approach to measuring communication competence. *Communication Research Reports*, 5(2), 108-113.
57. McCroskey, J. C., & Richmond, V. P. (1982). *The quiet zones: Communication apprehension and shyness* (2nd ed). Scottsdale, AZ: Gorsuch Scarisbrick.
58. McCroskey, J. C., & Richmond, V. P. (1987). Willingness to communicate and interpersonal communication. In J. C. McCroskey & J. A.

- Daly (Eds.), *Personality and interpersonal communication* (pp. 129-159). Newbury Park, CA: Sage.
59. McCroskey, J. C., & Richmond, V. P. (1990). Willingness to communicate: A cognitive view. In M. Booth-Butterfield (Ed.), *Communication, cognition, and anxiety* (pp. 19-37). Newbury Park, CA: Sage. (a)
60. Midraj Sadiq, Jessica Midraj, Gary O'Neill, Abdellatif Sellami (2008). The Affective Factors and English Language Attainment of Arab EFL Learners. *International Journal of Applied Educational Studies*, 1(1), 43-52.
61. Mortensen, C., Arntson, P., & Lustig, M. (1977). The measurement of verbal predispositions: scale development and application. *Human Communication Research*, 3, 146-158.
62. Muchnick, A.G., and D.E. Wolfe. 1982. Attitudes and motivations of American students of Spanish. *The Canadian Modern Language Review* 38: 262-281.
63. Oxford, R. L. & Shearin, J. (1994). Language learning motivation: Expanding the theoretical framework. *Modern Language Journal*, 78(1), 12-28.
64. Phillips, G. M. (1968). Reticence: Pathology of the normal speaker. *Speech Monographs*, 35, 39-49.
65. Phillips, G. M. (1984). Reticence: A perspective on social withdrawal. In J. A. Daly & J. C. McCroskey, *Avoiding communication: Shyness, reticence, and communication apprehension* (pp. 51-66). Beverly Hills, CA: Sage.
66. Price, M. L. (1988). *Anxiety and the foreign language learner: Correlates of foreign language anxiety* (Doctoral dissertation, The University of Texas at Austin, 1988). *Dissertation Abstracts International*, 50-02A, 0377.
67. Price, M. L. (1991). The subjective Experience of foreign language anxiety: Interviews with highly anxious students. In E. K. Horwitz, & D. J. Young (Eds.), *Language anxiety: From theory and research to classroom implications*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.

- 68.Sallinen-Kuparinen, A., McCroskey, J. C., & Richmond, V. (1991). Willingness to communicate, communication apprehension, introversion, and self-reported communication competence: Finnish and American comparisons. *Communication Research Reports*, 8, 55-64.
- 69.Savignon, S. J. (2005). Communicative language teaching: Strategies and goals. In E. Hinkel (Ed.), *Handbook of Research in Second Language Teaching and Learning* (pp.635-652). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
- 70.Schlesinger, H. (1995). The effectiveness of anxiety reduction techniques in the foreign language classroom. (Doctoral dissertation, The University of Texas at Austin, (1995). *Dissertation Abstracts International*, 57-01A, 0139.
- 71.Sun Yun-Fang (2008). Motivation to speak: perception and attitude of non-English major students in Taiwan. Unpublished doctoral dissertation, Indiana University.
- 72.Swain, M. (2000). The output hypothesis and beyond: Mediating acquisition through collaborative dialogue. In J. P. Lantolf (Ed.), *Sociocultural theory and second language learning* (pp. 97-114). Oxford: Oxford University Press.
- 73.Swain, M. (2005). The output hypothesis: Theory and Research. In E. Hinkel (Ed.), *Handbook of Research in Second Language Teaching and Learning* (pp. 471-484). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
- 74.Swain, M., & Lapkin, S. (2002). Talking it through: two French immersion learners' response to reformulation. *International Journal of Educational Research*, 37, 285-304.
- 75.Von Wörde, R. A. (1998), An investigation of students' perceptions of foreign language anxiety (Doctoral dissertation, George Mason University, 1998). *Dissertation Abstracts International*, 59-03A, 0717.
- 76.Von Wörde,R.(2003). Students' Perspectives on Foreign Language Anxiety. *Inquiry*,8(1).

77. Wen, W. P., & Clément, R. (2003). A Chinese conceptualization of willingness to communicate in ESL. *Language, Culture and Curriculum*, 16(1), 18-38.
78. Yashima, T. (2002). Willingness to communicate in a second language: The Japanese EFL context. *The Modern Language Journal*, 86(1), 54-66.
- Young, D. J. (1986). The relationship between anxiety and foreign language oral proficiency ratings. *Foreign Language Annals*, 19, 439-45.